

بررسی استقلال ساختاری قوه قضائیه از منظر قانون موضوعه، فقه، اسناد فراملی و

سند تحول قضایی، چالش های موجود و راهکارهای برون رفت از آن

مجتبی یآوری^۱

^۱ سطوح عالی و خارج حوزه علمیه، حوزه علمیه قم، قم، ایران

چکیده

استقلال قضایی و استقلال قوه قضائیه دو مفهوم مرتبط اما مجزا هستند که هر دو در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته‌اند. استقلال قضایی به معنای استقلال فرد قاضی در رسیدگی به پرونده‌ها و صدور رأی بدون هیچگونه مداخله یا فشار از سوی دیگران است. قانون اساسی ضمانت‌های متعددی برای استقلال قاضی در نظر گرفته است، اصل ۵۷ و ۱۵۶ بحث استقلال را اشاره دارد و در همین اصول قانون اساسی، قاضی موظف به رعایت عدالت و استقلال در رسیدگی به پرونده‌ها هست. قانون آیین دادرسی کیفری نیز قواعد و مقرراتی را برای تضمین استقلال قاضی در نظر گرفته است، مانند ممنوعیت دخالت در امور قضایی و لزوم رعایت بی‌طرفی توسط قاضی. فقه اسلامی نیز بر استقلال قاضی تأکید دارد و معتقد است که قاضی باید در رسیدگی به پرونده‌ها فقط از احکام شرعی و عدالت تبعیت کند. اسناد فراملی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر استقلال قوه قضائیه تأکید دارند و آن را یکی از ارکان اساسی هر نظام حقوقی عادلانه می‌دانند. سند تحول قضایی نیز در راستای تقویت استقلال قوه قضائیه برنامه‌ها و اقداماتی را در نظر گرفته است. با وجود این ضمانت‌ها و برنامه‌ها، چالش‌های متعددی در مسیر تحقق استقلال قوه قضائیه وجود دارد، از جمله دخالت‌های سیاسی، کمبود بودجه و امکانات، فساد اداری و قضایی، ضعف در آموزش و توانمندسازی قضات، و عدم وجود قوانین و مقررات شفاف و کارآمد. برای برون رفت از این چالش‌ها لازم است که اقدامات متعددی انجام شود، از جمله تقویت استقلال ساختاری و وظیفه‌ای قوه قضائیه، ارتقای منزلت اجتماعی و اقتصادی قضات، مبارزه با فساد و تطهیر دستگاه قضایی، توسعه آموزش و توانمندسازی قضات، تدوین قوانین و مقررات شفاف و کارآمد، و جلب مشارکت مردم و نهادهای مدنی در نظارت بر عملکرد قوه قضائیه.

کلید واژه: استقلال قضایی، استقلال قوه قضائیه، قانون اساسی، آیین دادرسی

Analysis of the Structural Independence of the Judiciary from the Perspective of Positive Law, Jurisprudence, International Documents, and the Judicial Transformation Document: Existing Challenges and Solutions

Mojtaba Yavari¹

1. Senior Levels and Kharej Level of the Seminary, Qom Seminary, Qom, Iran

Abstract

Judicial independence and the independence of the judiciary are two interconnected but distinct concepts, both emphasized in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Judicial independence refers to the autonomy of a judge in handling cases and issuing rulings without interference or pressure from external forces. The Constitution provides multiple guarantees to ensure judicial independence, as seen in Articles 57 and 156, which discuss the concept of independence. In these articles, judges are obligated to adhere to justice and independence in their handling of cases. The Code of Criminal Procedure also includes rules and regulations to ensure the independence of judges, such as prohibiting interference in judicial matters and requiring judges to maintain impartiality. Islamic jurisprudence places a strong emphasis on the independence of judges, asserting that judges should only follow Sharia law and justice when adjudicating cases. International documents, such as the Universal Declaration of Human Rights, also stress the importance of judicial independence, considering it one of the foundational pillars of a fair legal system. The Judicial Transformation Document also outlines various programs and actions to strengthen the independence of the judiciary. Despite these guarantees and programs, several challenges exist in achieving judicial independence, including political interference, budgetary and resource shortages, administrative and judicial corruption, weaknesses in judge training and empowerment, and the absence of clear and effective laws and regulations. To overcome these challenges, multiple actions need to be taken, including strengthening the structural and functional independence of the judiciary, enhancing the social and economic status of judges, combating corruption, purifying the judicial system, developing training and empowerment programs for judges, creating transparent and effective laws and regulations, and encouraging public and civil society participation in overseeing the judiciary's performance.

Keywords :Judicial Independence, Independence of the Judiciary, Constitution, Code of Procedure

مقدمه

در جوامع بشری، از دیرباز همواره برقراری عدالت و دادرسی عادلانه از مهم‌ترین دغدغه‌ها بوده است و فلاسفه و اندیشمندان به این مهم، توجه و عنایت ویژه‌ای داشتند. در این میان، نقش دستگاه قضایی و استقلال آن در تحقق این امر، نقشی اساسی و محوری است. استقلال قضایی و استقلال قوه قضائیه به عنوان دو بال تضمین‌کننده دادرسی عادلانه می‌باشد و این اصل به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول در نظام‌های حقوقی، ناظر بر مصونیت قاضی از هرگونه فشار و نفوذ خارجی در انجام وظایف خود و صدور احکام به طور عادلانه و مبتنی بر قانون است.

استقلال قضایی نه تنها ضامن اجرای صحیح و عادلانه قوانین می‌شود بلکه از فساد و سوء استفاده از قدرت نیز جلوگیری کرده و موجب تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی و ایجاد بستر مناسب برای تحقق عدالت اجتماعی و حقوق بشر می‌شود. استقلال قضایی است که این مهم را تحقق می‌بخشد.

حال با وجود مطالعات متعددی که در خصوص استقلال قضایی انجام شده است، اما همچنان ضرورت بررسی عمیق‌تر این موضوع و تبیین ابعاد مختلف و چالش‌های مربوط به آن، احساس می‌شود. در این مقاله، با اتکا به منابع فقهی، قانونی و بین‌المللی، به ارائه تعریفی جامع و دقیق از استقلال قضایی پرداخته می‌شود.

علاوه بر این، مبانی این اصل در فقه اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون آیین دادرسی کیفری، فقه، اسناد فراملی و سند تحول قضایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، اهمیت استقلال قضایی از جهات مختلفی از جمله تضمین دادرسی عادلانه، حفظ حقوق و آزادی‌های افراد، مبارزه با فساد و ارتقای اعتماد عمومی به نظام قضایی و چالش‌های مربوط به آن تبیین و پرداخته خواهد شد و راهکارهای برون رفت از آن ارائه می‌شود.

در مورد عنوان حاضر، چند مقاله به عنوان پیشینه وجود دارد: 1- مقاله استقلال قوه قضائیه از منظر حقوق اسلام، نوشته حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد طالقانی در فصلنامه حقوق و سیاست، شماره 17، زمستان 1394 که این مقاله به بررسی مفهوم استقلال قوه قضائیه از منظر حقوق اسلام می‌پردازد. نویسنده در این مقاله به آراء فقه‌های شیعه در مورد استقلال قاضی و ضمانت‌های شرعی استقلال قوه قضائیه اشاره می‌کند.

2- مقاله استقلال قوه قضائیه و سند تحول قضایی، نوشته حجت‌الاسلام دکتر سید محمود هاشمی در مجله فقه و حقوق، شماره 87، بهار 1397، که این مقاله به بررسی نقش سند تحول قضایی در تقویت استقلال قوه قضائیه

می‌پردازد. نویسنده در این مقاله به اقدامات پیش‌بینی شده در سند تحول قضایی برای تقویت استقلال قوه قضاییه و چالش‌های اجرای این اقدامات اشاره می‌کند.

کلیات و مفاهیم

۱. معنا و مفهوم استقلال

برای توضیح و تبیین یک مسأله، ابتدا لازم است که محل بحث و نزاع به طور واضح، مشخص شود و معلوم شود که دقیقاً بحث بر سر چیست؟! لذا ابتدا، لازم است تا مفهوم استقلال مورد بررسی قرار بگیرد.

استقلال و بی‌طرفی رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند لکن باید به این نکته توجه داشت که استقلال بی‌طرفی با یکدیگر تفاوت دارند چرا که منشأ بی‌طرفی درونی است هرچند بروز آن خارجی و بیرونی است و نکته دیگر آنکه بی‌طرفی پس از تشکیل پرونده شکل می‌گیرد ولی استقلال ممکن است قبل از تشکیل پرونده هم مورد هجمه قرار گیرد.

استقلال از حیث لغوی به معنای برداشتن و بلند کردن، عدم وابستگی، تحت نفوذ چیزی یا جایی نبودن، به خودی خود بر کاری ایستادن، انجام کاری بدون مشارکت دیگری، ضابط امر خویش بودن، خود مختاری، خودسالاری و خود ایستایی و... است.

حال با توجه به همین معنای لغوی، معنای اصطلاحی استقلال قضایی و استقلال قوه قضاییه معنا می‌شود؛ در تعریف آن، اینگونه بیان کرده اند که قضات و قوه قضاییه بدون هیچگونه اعمال نفوذ و تاثیر پذیری، آزادانه عمل کنند.

استقلال قضایی، استقلال قضات از حکومت و از هرگونه تاثیرپذیری و مداخله مقامات دیگر در وظایف آنها می‌باشد، همچنین عدم جواز دخالت و تاثیرگذاری از جانب دیگران بر قوه قضاییه در معنای عام و قضات در معنای خاص در صدور احکام و قرارهای قضایی و آزادی امر قضا از هرگونه مداخله و فشار و گردن نهادن همه، بر احکام صادره است.

توضیح بیشتر آنکه استقلال در مورد قضا در دو ساحت استقلال قضایی سازمانی و استقلال فردی قضات مورد بررسی و بحث قرار می‌گیرد.

۲. استقلال قضایی سازمانی

با توجه به اصل تفکیک قوا و هم تراز بودن قوه قضاییه با سایر قوا، لازم است که قوای دیگر حدود و اختیارات و صلاحیت های خود و قوای دیگر را بشناسند و آن را به رسمیت شناخته و در حیطه وظایف و اختیارات و صلاحیت های قوه قضاییه از هر گونه دخالتی خودداری کنند، البته این به معنای عدم تعامل نیست چرا که قوا باید با یکدیگر تعامل داشته باشند.

برای استقلال سازمانی ابعادی گفته می شود من جمله استقلال ساختاری و تشکیلاتی و اداری و... مثلاً استقلال ساختاری، بدین صورت است که هیچ قاضی در هیچ مرتبه‌ای در در تصمیم گیری و وظایف و حیطه اختیارات قاضی دیگر حق دخالت ندارد و در بعد استقلال اداری، اینگونه بیان می شود که هیچکس نباید در چگونگی مدیریت فرایند دادرسی و نحوه انجام وظایف دادگاه مداخله کند.

۳. استقلال فردی قضات

ساحت دیگری که می توان در مورد استقلال صحبت کرد استقلال فردی قضات است و بدین صورت است که قضات در تصمیم گیری تنها باید تابع قوانین باشند و به صورت آزادانه و بدون ترس و بدون جانبداری از اصحاب دعوا به انجام وظیفه بپردازند و هیچکس و هیچ چیز تأثیری در این مهم نداشته باشد؛ هیچ عاملی نباید کوچکترین تأثیری بر تصمیم گیری و صدور حکم قاضی داشته باشد، نه فشار افکار عمومی، نه فشار مقامات سیاسی، نه تأثیر منافع فردی و حزبی، نه عواطف شخصی و نه هیچ عامل دیگر. خلاصه آنکه منظور از استقلال فردی استقلال قضات در تصمیم گیری است.

نکته دیگر اینکه، شاید بتوان گفت استقلال قوه قضاییه خود موضوعیتی ندارد یعنی به خودی خود هدف نیست لکن به خاطر اینکه وسیله ای است برای دستیابی به هدف اصلی که همان استقلال قاضی، از این حیث اهمیت پیدا کرده است.

۴. اهمیت استقلال قضایی

استقلال قضایی از جنبه های مختلفی دارای اهمیت است که در ادامه به برخی از مهم ترین این جنبه ها اشاره می شود:

- تضمین دادرسی عادلانه استقلال قضایی باعث می شود که قضات بتوانند بدون فشار و تأثیرپذیری از عوامل خارجی، به دادرسی عادلانه و بی طرفانه بپردازند. این امر باعث افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی و ارتقای اعتبار آن می شود.

- حفظ حقوق و آزادی‌های فردی با حفظ استقلال قضایی، حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان بهتر تضمین می‌شود، زیرا قضات می‌توانند بدون ترس از مداخلات خارجی به حفظ حقوق و آزادی‌های افراد بپردازند.
- مبارزه با فساد استقلال قضایی نقش مهمی در مبارزه با فساد دارد، زیرا قضات مستقل می‌توانند بدون ترس از مداخلات خارجی به بررسی و پیگیری موارد فساد بپردازند و با افراد فاسد برخورد کنند.

استقلال قضایی و استقلال قوه قضائیه در قانون اساسی

اصولی که در رابطه با استقلال قضایی می‌توان به آن استناد کرد به شرح و تفصیل ذیل است:

- اصل ۵۷ قانون اساسی:

«قوای حاکم در جمهور اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

این اصل به تفکیک قوا و توزیع قدرت اشاره دارد و قوه قضائیه را هم عرض قوای دیگر قرار می‌دهد و برای آن استقلال قائل است؛ لذا قوه قضائیه طبق این اصل از قانون اساسی از استقلال برخوردار است.

اصل دیگری که به آن اشاره می‌شود، اصل ۱۵۶ قانون اساسی است که مقرر می‌دارد:

- اصل ۱۵۶ قانون اساسی:

«قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق

فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

1- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل

دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه،

که قانون معین می‌کند.

2- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.

3- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

4 - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون

جزایی اسلام.

5 - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»

در صدر این اصل، اینگونه آمده که قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار...

حال باتوجه به کلمه مستقلی که در این اصل آمده است، استنباط استقلال می شود، لکن برخی از حقوق دانان استقلال در این اصل با اصل پیشین را متفاوت می دانند و منظور از استقلال در اصل ۱۵۶، بی طرفی و استقلال در تشخیص حق و عدالت دانسته و مقصود را، استقلال کارکردی قاضی در فرآیند دادرسی بیان کرده اند ولی استقلال در اصل ۵۷ را ناظر به تفکیک قوا و ساختاری و تشکیلاتی بیان کرده اند.

اصل دیگری که می توان استقلال را به صورت تلویحی از آن برداشت کرد، اصل ۱۵۹ می باشد که بیان می کند:

• اصل ۱۵۹ قانون اساسی

« مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.»

طبق این اطلاق این اصل، دادگستری به حکم قانون به شکایت رسیدگی می کند و هیچ نهاد و ارگانی مانع آن نیست و در این امر، مداخله نمی کند؛ طبق این اصل شاید بتوان استقلال ساختاری را برداشت کرد.

اصل دیگر، اصل ۱۶۳ است.

• اصل ۱۶۳ قانون اساسی

«صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می شود.»

و یکی از شرایط و صفات قاضی در منابع فقهی که بعداً هم به آن به صورت مفصل پرداخته می شود، همین استقلال قاضی است و از نظر فقه نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در نهایت اصل ۱۶۴ هم در رابطه با استقلال به آن استناد می شود.

• اصل ۱۶۴ قانون اساسی

«قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دایم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد.»

طبق این اصل قاضی از استقلال و مصونیت شغلی برخوردار است و این، اهمیت موضوع را می رساند و این دو در راستای دادرسی عادلانه و منصفانه است.

فصل سوم: استقلال قضایی و استقلال قوه قضائیه در آیین دادرسی کیفری

استقلال در قانون آیین دادرسی کیفری، به عنوان یک اصل که هم مراجع قضایی و هم مقامات قضایی را پوشش می دهد و هم ساختار را مورد توجه قرار می دهد و هم استقلال فردی قضات.

در قانون آیین دادرسی کیفری، موادی وجود دارد که اختیارات مقام قضایی را بیان می کند که این اختیارات خود به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر استقلال قاضی اشاره دارد و این مهم، حاصل نمی شود مگر با استقلال او.

اما ماده ای که به صورت صریح به استقلال اشاره دارد، ماده سوم این قانون است که بیان می دارد:

• ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری

«مراجع قضائی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند.»

این ماده به صورت مستقیم و صریح به عنصر بی طرفی، استقلال، کوتاه ترین زمان ممکن اشاره می کند و استقلال با بیانی که در مفهوم گفته شد، در اینجا نیز جاری است.

استقلال قضایی و استقلال قوه قضائیه از منظر منابع اربعه

منابع فقه شیعه عبارتند از کتاب (قرآن)، سنت، عقل و اجماع.

ابتدا به منبع کتاب رجوع می شود و آیاتی که در این رابطه وجود دارد، مورد بررسی قرار می گیرد:

استقلال قضایی و قوه قضاییه در قرآن کریم

(۱) آیه ۵۸ سوره نساء

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»

ترجمه:

«همانا خدا به شما امر می‌کند که امانتها را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید. همانا خدا شما را پند نیکو می‌دهد، که خدا شنوا و بیناست.»

این آیه به قضاوت عادلانه اشاره و تأکید دارد و لازمه دادرسی عادلانه، استقلال قضایی است.

(۲) آیه ۱۳۵ سوره نساء

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ نَعَرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»

ترجمه:

«ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد، (برای هر کس شهادت می‌دهید) اگر فقیر باشد یا غنی، خدا به (رعایت حقوق) آنها اولی است، پس شما (در حکم و شهادت) پیروی هوای نفس نکنید تا مبادا عدالت نگاه ندارید. و اگر زبان را (در شهادت به نفع خود) بگردانید یا (از بیان حق) خودداری کنید خدا به هر چه کنید آگاه است.»

این آیه به لزوم و ضرورت قضاوت عادلانه حتی در برابر خود و نزدیکان اشاره دارد. در این شرایط نقش استقلال بسیار پررنگ می‌شود که استقلال قضایی در این موضوع اهمیت خودش را نشان می‌دهد.

(۳) آیه ۸ سوره مائده

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»

ترجمه:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

این آیه نیز در مقام بیان دادرسی عادلانه است و از دستور به پرهیز از تعصبات و تاثیرگذاری های منفی می دهد و این مهم نیز با استقلال خودش را نشان می دهد.

(۴) آیه ۴۲ سوره مائده

«سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»

ترجمه:

«پذیرا و شنوای دروغ هستند [و] بسیار مال حرام می‌خورند. پس اگر نزد تو آمدند، [یا] میان آنان داوری کن، یا از ایشان روی برتاب. و اگر از آنان روی برتابی هرگز زیانی به تو نخواهند رسانید. و اگر داوری می‌کنی، پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می‌دارد.»

این آیه نیز بر قضاوت عادلانه و منصفانه تأکید می کند که لازمه آن استقلال قضائی است.

(۵) آیه ۱۵۲ سوره انعام

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»

ترجمه:

«و به مال یتیم -جز به نحوی [هر چه نیکوتر]- نزدیک مشوید، تا به حد رشد خود برسد. و پیمانه و ترازو را به عدالت، تمام پیمایید. هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم. و چون [به داوری یا شهادت] سخن گوید

دادگری کنید، هر چند [در باره] خویشاوند [شما] باشد. و به پیمان خدا وفا کنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که پند گیرید.»

آیه فوق به لزوم عدالت در رفتار و قضاوت تأکید دارد و توصیه بر آن دارد که حتی در برابر خویشاوندان نیز عدالت رعایت شود که لازمه آن استقلال است.

استقلال قضایی و قوه قضاییه در روایات

(۱) در روایتی حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«وَأَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْعَاقِلَ يَسْتَظْهَرُ بِحُسْنِ النِّيَّةِ فِي الْعَمَلِ فَصَدَقَتْهُ حُسْنُ السَّرِيرَةِ نَفَذَ فِي الْعَدْلِ»

«ای بندگان خدا، بدانید که عاقل با نیت پاک در عمل تقویت می شود، پس راستگویی و نیک سرشتی او در عدالت نفوذ می کند.»

این گفتار حضرت بر اهمیت صداقت و عدالت در قضاوت اشاره دارد و این مهم با استقلال قاضی محقق می شود.

(۲) امام حسین (علیه السلام) در نامه ای به مردم بصره می فرماید:

«فَلَيْسَ لِقَاضٍ أَنْ يَقْضِيَ بِهَوَى نَفْسِهِ وَلَا بِهَوَى غَيْرِهِ بَلْ يَحْكُمُ بِمَا أَرَادَ اللَّهُ»

«برای قاضی شایسته نیست که بر اساس هوای نفس خود یا دیگری حکم کند، بلکه باید به آنچه خدا خواسته حکم کند.»

این فرمایش حضرت نیز بر استقلال قاضی و عدم تأثیرپذیری از فشارهای خارجی تأکید دارد.

(۳) امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلَا يُبْذَلْ فِي مَا وَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ»

«هر کس بخواهد بین مردم حکم کند، باید از خدا بترسد و در امانتی که خداوند به او سپرده است، ناصادقانه رفتار نکند.»

این روایت نشانگر لزوم رعایت تقوی و صداقت در قضاوت و حفظ استقلال قاضی در برخورد با مسائل قضایی است.

۴) امام علی (علیه السلام) در نامه ای به مالک اشتر (که به عنوان فرمانده و حاکم منصوب شده بود) به انتخاب قضات عادل و مستقل تأکید می کند و می فرماید:

«فَاخْتَرِ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ مِمَّنْ لَا تَضِيقُ بِهِ الْأُمُورُ وَلَا تَمَحُكُهُ الْخُصُومُ وَلَا يَتِمَادَى فِي الزَّلَّةِ وَلَا يَحْصُرُ مِنَ الْفَيْءِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ»

«بهترین افراد خود را برای قضاوت بین مردم انتخاب کن، کسانی که مشکلات را بر آنها تنگ نمی گیرد، و در برابر خصومت ها محکم می مانند و به زودگی از خطا باز می گردند و در برابر حق که به آن رسیده اند، استوار می باشند.»

از این فرمایش حضرت امام نیز برداشت می شود که انتخاب قضات باید از میان افرادی باشد که خصیصه استقلال را دارند و مستقل از فشارها و تعصبات قادر به اجرای عدالت باشند.

استقلال قضایی و قوه قضاییه باتوجه به عقل

در فقه شیعه قاعده ای وجود دارد که بیان می دارد، هرچیزی که عقل به آن حکم می کند، شرع نیز به آن حکم می کند؛ (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع)

حال باتوجه به این نکته، باید اذعان داشت که عقل سلیم، حکم به دادرسی عادلانه و منصفانه می دهد و این را حسن می داند و از طرفی دادرسی غیرعادلانه و تخت تأثیر عوامل منفی، را مذموم و قبیح می داند.

این نکته را فقهای شیعه در کتب اصولی خود هم بحث کرده اند و آن را در باب مستقلات عقلی بیان کرده اند که عدل حسن و ظلم قبیح است. نکته ای که باید به این مطلب اضافه شود آنست که عدالت تحت عنوان استقلال محقق می شود و تا استقلال قضایی وجود نداشته باشد، نمی توان به عدالت رسید و لازمه آن است.

استقلال قضائی از سوء استفاده از قدرت جلوگیری می کند بدین صورت که جلوی نفوذهای غیرقانونی را گرفته و براساس قانون و حق حکم می دهد؛ این استقلال است که به مقابله با فساد و سوء استفاده از قدرت می پردازد و عوامل خارجی را کنار می زند.

نکته دیگر در این رابطه اینست که در صورت استقلال قضایی است که اعتماد عمومی جلب می شود و این سیستم مستقل قضائی است که موجب می شود تا مردم اطمینان پیدا کنند که احقاق حق صورت می گیرد و این موجب مشروعیت قوه قضائیه می شود.

استقلال قضایی و قوه قضاییه در گفتار برخی از فقهاء

فقهای اسلامی در متون فقهی خود بارها به اهمیت استقلال قاضی اشاره کرده‌اند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأکید دارند که استقلال قضائی یکی از ارکان دادرسی عادلانه است. در این راستا، بسیاری از اندیشمندان اسلامی به این موضوع پرداخته و در آثار خود نظرات مختلفی را در این زمینه بیان کرده‌اند. از جمله فقهایی که بر استقلال قاضی تأکید کرده‌اند می‌توان به شیخ مفید، علامه حلی، شیخ طوسی، شیخ انصاری، شهید اول، شهید ثانی، مرحوم نائینی، آیت‌الله خمینی (ره) و علامه مصباح یزدی اشاره کرد (حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ کرامت، قاسم؛ شهبازی‌نیا، مرتضی. ۱۳۸۹، ص ۴۲).

شیخ طوسی در کتاب‌های خود تأکید دارد که قاضی باید در صدور حکم کاملاً مستقل باشد و تحت تأثیر هیچ‌گونه فشار خارجی، به‌ویژه فشارهای سیاسی قرار نگیرد. وی استقلال قاضی را یکی از شروط ضروری برای تحقق عدالت می‌داند و معتقد است که تنها با این استقلال است که قضاوت عادلانه می‌تواند به درستی انجام گیرد (حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ کرامت، قاسم؛ شهبازی‌نیا، مرتضی. ۱۳۸۹، ص ۵۳). شیخ طوسی ضمن تأکید بر این اصل، خواهان آن است که قاضی بتواند بدون هیچ‌گونه دغدغه‌ای، تصمیمات خود را بر اساس شواهد و دلایل قانونی اتخاذ کند.

همچنین، مرحوم نائینی در کتاب خود "تنبيه الامة و تنزيه الملة" به‌طور صریح اشاره می‌کند که تحقق عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی بدون قضاوت مستقل و بدون تأثیرپذیری از نیروهای خارجی غیرممکن است. او در صفحه ۲۱۴ این کتاب می‌نویسد که اگر قاضی تحت تأثیر فشارهای سیاسی، اجتماعی یا هر عامل خارجی دیگر قرار گیرد، عدالت از بین خواهد رفت و این امر به نقض حقوق افراد و ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه منجر می‌شود (عمید زنجانی، عباسعلی. ۱۳۷۸، ص ۲۱۴).

امام خمینی (ره) نیز در کتاب تحریر الوسیله به‌طور صریح به استقلال قاضی اشاره کرده و می‌فرماید: «واجب است که قاضی در تصمیم‌گیری‌هایش مستقل باشد و تحت تأثیر هیچ فشاری از سوی قدرت یا جامعه قرار نگیرد تا عدالت تضمین شود» (قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۹، ص ۲۳). امام خمینی (ره) با تأکید بر این نکته، استقلال قاضی را به‌عنوان یکی از ارکان مهم دادرسی عادلانه می‌داند و معتقد است که تنها در این صورت است که می‌توان به عدالت در تصمیم‌گیری‌های قضایی دست یافت.

علامه مصباح یزدی نیز در آثار خود به‌ویژه در مباحث حقوقی، بر این نکته تأکید دارد که قاضی باید به‌طور کامل مستقل باشد تا عدالت را تحقق بخشد. وی می‌فرماید: «قاضی عدالت را نمی‌تواند محقق کند مگر اینکه در تصمیمات

خود مستقل باشد و تحت تأثیر هیچ عامل خارجی قرار نگیرد» (کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۲، ص ۶۲). این نظر نشان‌دهنده اهمیت استقلال در فرایند قضائی از منظر فقهی است و بیانگر آن است که هر گونه تأثیر خارجی بر قاضی، باعث نقض عدالت خواهد شد.

در مجموع، این آراء فقها بر ضرورت استقلال قاضی تأکید دارند و این استقلال را پیش‌نیازی برای تحقق دادرسی عادلانه می‌دانند. این نظرات به وضوح نشان می‌دهد که استقلال قاضی نه تنها به عنوان یک اصل فقهی، بلکه به عنوان یک ضرورت قانونی در نظام قضائی اسلامی مطرح است (حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ کرامت، قاسم؛ شهبازی‌نیا، مرتضی. ۱۳۸۹، ص ۷۸).

استقلال قضایی و استقلال قوه قضائیه با توجه به اسناد فراملی

در سطح بین‌المللی، استقلال قضایی و استقلال مراجع قضایی برای تحقق دادرسی عادلانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تدابیر مختلفی در این زمینه اندیشیده شده و اسناد و معاهدات بین‌المللی متعددی به منظور تضمین این اصل اساسی به ثبت رسیده است. این اسناد و اصول نقش مهمی در تأمین آزادی قضات از مداخلات خارجی و تضمین اجرای عدالت به طور بی‌طرف ایفا می‌کنند (حبیب‌زاده، کرامت و شهبازی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۴۵).

یکی از اسناد اساسی که به صراحت بر لزوم وجود دادگاه مستقل تأکید دارد، ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این ماده به طور روشن بیان می‌کند: «هر کس حق دارد که دعوای او به طور کامل با تساوی حقوق با دیگران در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف به طور عادلانه و علنی رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقوق و تعهدات او یا صحت هر گونه اتهام کیفری که به او متوجه باشد، حکم دهد» (United Nations, 1948, Article 10). این ماده به وضوح بر ضرورت وجود دادگاه‌های مستقل تأکید دارد که وظیفه رسیدگی به دعوای را بدون هیچگونه مداخله‌ای انجام دهند.

همچنین بند اول ماده ۱۴ عهدنامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر این مهم تأکید دارد که همه افراد در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری برابر هستند. این ماده تصریح می‌کند: «هر کس حق دارد که دادخواهی او در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف و طبق قانون به صورت علنی و منصفانه رسیدگی شود» (United Nations, 1966, Article 14). علاوه بر این، کمیته حقوق بشر در نظریه تفسیری شماره ۱۳ خود به طور خاص به این مسأله پرداخته است و تأکید کرده است که استقلال دادگاه‌ها و قضات باید رعایت شود تا عدالت به طور کامل برقرار گردد (Deschênes, 1985, p. 32 & Shetreet).

در سال ۱۹۸۵، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اصولی را تصویب کرد که طبق آن، راهنمایی‌هایی برای حفظ و تقویت استقلال قضات و قوه قضائیه ارائه شده است. این اصول به عنوان مبنای قانونی و راهنمایی برای کشورها جهت تقویت استقلال قضایی در نظر گرفته شده است (Russell, 2001, p. 12). علاوه بر این، برخی از اسناد دیگر نظیر ماده ۱۹ معاهده لیسبون، منشور اروپایی در مورد جایگاه قضات ۱۹۹۸ و سند مگناکارتای قضات ۲۰۱۰ نیز بر استقلال قضایی و تقویت آن تأکید دارند (European Commission for Democracy through Law, 2010, p. 22).

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و ماده ۱۱۷ اساسنامه دیوان، نیز بر استقلال مراجع قضایی و حمایت از قضات در برابر هرگونه فشار و تهدید تأکید دارند. این اصول در راستای تضمین دادرسی عادلانه و حفظ حقوق بشر در سطح جهانی تنظیم شده‌اند (Bingham, 2010, p. 78). به طور کلی، این اسناد بین‌المللی به عنوان اصول مسلم در نظر گرفته شده‌اند و تأکید بر رعایت استقلال قضائی در تمامی نظام‌های قضایی جهان دارند.

در نهایت، نظارت بین‌المللی بر رعایت اصول استقلال قضایی توسط نهادهای مختلفی مانند کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر انجام می‌شود. این نهادها با ارزیابی عملکرد کشورها در زمینه رعایت استقلال قضایی، به تضمین اجرای عدالت و حمایت از حقوق بشر کمک می‌کنند (International Commission of Jurists, 2007, p. 16).

استقلال قضایی و استقلال قوه قضائیه با توجه به سند تحول قضایی مصوب ۱۴۰۳/۰۱/۰۶

در سند تحول و تعالی قوه قضائیه مصوب ۱۴۰۳/۰۱/۰۶ به صورت ضمنی و صریح به استقلال قوه قضائیه و استقلال قضایی اشاراتی شده است ولی جنبه صراحت آن کم است از این رو می‌توان برخی نقطه نظرات را از آن استنباط کرد.

در این سند، مأموریت‌ها، چالش‌ها، عوامل، راهبردها و راهکارها و... آمده است.

برای مثال مأموریت ۱: رسیدگی به تظلمات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات است که با چالش غیرمتقن بودن برخی آراء و تصمیمات قضایی رو به رو است و یکی از علل این چالش، تعارض، ابهام و نقص قوانین و مقررات و دیگر عامل نقص در زمینه‌های مؤثر برای صدور آراء و تصمیمات متقن بیان شده است.

در این زمینه راهبردی که برای علت دوم این چالش بیان شده است تخصصی نمودن فرآیندهای رسیدگی و بهره گیری از ظرفیت متخصصان در صدور آراء و تصمیمات متقن و استفاده از فناوری های هوشمند در فرآیند صدور آراء و تصمیمات قضایی است و برای این راهبرد نیز راهکارهایی در نظر گرفته شده است.

مثلا در بحث استفاده از ظرفیت متخصصان در صدور آراء و تصمیمات قضایی راهکاری که پیشنهاد می شود تشکیل هیأت های مستشاری مرکب از قضات با تجربه و متخصصان رشته های مختلف در پرونده های مهم و خاص است که در این جا با قید تاکید بر حفظ استقلال قضات بیان شده است.

در این قسمت از سند تحول یک چالشی بیان شد و علت و راهبرد و راهکار آن هم که بیان شد لکن نکته حائز اهمیت آن است که این چالش باید حل شود و راهکاری برای حل آن گفته شده است اما باید توجه نمود که در پرونده های مهم و خاص که بحث تخصصی می شود، باید هیأت های مستشاری شکل بگیرد و از متخصصان هم استفاده شود، لکن قضات از استقلال برخوردار باشند و چیزی به آن ها تحمیل نشود و موجب نفوذ هم نباشد و استقلال قضات حفظ شود.

دیگر نکته قابل ملاحظه در راهبرد ۴، در همین بحث مأموریت اول ذیل عامل دوم، ایجاد شفافیت در فرآیند رسیدگی و صدور آراء قضایی است که برای آن راهکارهایی بیان شده است که این شفافیت به استقلال مذکور کمک می کند و هرچه در این بحث، شفافیت بیشتر باشد، قاضی نیز رأی متقن تر صادر می کند و او را از اتهامات عدم استقلال مصون می دارد.

یکی دیگر از چالش های موجود اطاله در فرآیند دادرسی است و دارای عوامل مختلفی می باشد که یکی از آن عوامل وجود پرونده های دارای خواهان یا شاکی متعدد است که برای حل این چالش، راهبرد هم افزایی در تصمیم گیری و اتخاذ تدابیر مناسب در خصوص پرونده های دارای خواهان یا شاکی متعدد پیش بینی شده است و راهکاری که برای آن در نظر گرفته شده است، تشکیل هیأت هماهنگی برای ساماندهی و اتخاذ تصمیمات کلان در خصوص تعداد یکصد پرونده ملی کثیرالشاکی و دارای حجم مالی بالا و بررسی جوانب قضایی، اقتصادی، امنیتی و رسانه ای پرونده با ریاست معاون اول قوه قضائیه و با حضور دادستان کل کشور و معاون اول رئیس جمهور و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و بالاترین مقام ضابطان ذیربط با رعایت استقلال قاضی و عدم دخالت در رأی قضات با تصویب و ابلاغ دستورالعمل مربوط از سوی رئیس قوه قضائیه و راهکار دوم پیشنهادی تشکیل شورای مشورتی برای کمک به قاضی مسئول رسیدگی به پرونده های مهم، ملی و کثیرالشاکی در دادگستری کل استان ها به ریاست

رئیس کل و با حضور دادستان مرکز استان، مقامات اجرایی و ضابطین مربوط با هدف کاهش تبعات اقتصادی و اجتماعی و تسریع در استیفای حقوق مردم و ارائه گزارش دوره‌های به بخش ذیربط در معاونت اول و دادستانی کل کشور با رعایت استقلال قاضی و عدم دخالت در رأی قضات است که برای هر دو راهکار، استقلال قاضی لحاظ شده و این به جهت اهمیت آن است تا در این زمینه مشکلی به وجود نیاید. لذا در این دو نیز استقلال قضات به جهت اهمیت آن، مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

مأموریت دومی که در این سند ذکر شده است، احیاء حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع است.

به طور کلی و بدون در نظر گرفتن چالش‌ها و عوامل آن، نکته‌ی قابل ملاحظه در خصوص برخی از چالش‌های مربوطه، استقلال قوه قضاییه و قاضی در جهت انجام این مأموریت مهم است؛ چرا که بخش مهمی از این مأموریت در سایه این مهم است.

یکی دیگر از مأموریت‌های بیان شده در این سند اصلاح مجرمان است و با چالش‌هایی همچون صدور برخی تصمیمات قضایی غیرموثر بر اصلاح مجرمان و اثربخشی محدود اقدامات اصلاحی هست که این نیز با استقلال مذکور، محقق می‌شود.

در مبحث دوم این سند ذیل عنوان منابع انسانی، توجه ویژه‌ای به استقلال قاضی شده است.

اینگونه بیان شده است که تضمین عزت و استقلال قاضی با تدوین پیگیری ابلاغ و اجرایی دستورالعمل صیانت از استقلال شان عزت منزلت و کرامت قضات مصوب رئیس قوه قضاییه با رعایت ملاحظات زیر:

- منع هرگونه اقدام مغایر استقلال قضات

- تسهیل ارتباط قضات با رئیس، مسئولان عالی و سایر مدیران قوه قضاییه

- ایجاد واحد صیانت از کرامت قضات به منظور پی‌گیری درخواست‌ها و پاسخگویی به آنان

مبحث هفتم این سند، در مورد تعامل با سایر قوا و نهادها نکاتی بیان شده است که به نظر می‌رسد در این تعامل باید استقلال قوه قضاییه به خوبی حفظ شود و کوچک‌ترین خدشه‌ای بدان وارد نشود.

استقلال قاضی آنقدر مهم است که در سند مذکور در مبحث نهم (رسانه) اینگونه آمده است که باید نسبت به قوه قضاییه تصویر سازی درست و مناسب انجام شود و مواردی بیان شده است که به استقلال قوه قضاییه و قاضی مربوط

می شود و حتی صریحا گفته شده است که چهره قاضی باید به عنوان فردی مستقل و بی طرف به نمایش گذاشته شود.

خلاصه آنکه در این سند هم به صورت صریح و هم به صورت ضمنی به استقلال قاضی و قوه قضاییه اشاره شده است و این حاکی از اهمیت این موضوع است.

چالش ها و راهکارهای استقلال قضایی

استقلال قضایی و قوه قضاییه از ارکان اساسی هر نظام حقوقی و دموکراتیک است که ضامن برقراری عدالت و رسیدگی منصفانه به پرونده ها می باشد. اما علی رغم اهمیت فراوان این اصل، استقلال قضایی با چالش های متعددی روبه رو است که این مشکلات می تواند تأثیرات منفی بر روند دادرسی و اعتماد عمومی به دستگاه قضایی داشته باشد. در این راستا، باید به موانع و چالش هایی که استقلال قضائی را تهدید می کند و همچنین راهکارهای تقویت آن توجه ویژه ای داشت.

یکی از مهم ترین چالش های استقلال قضایی دخالت های سیاسی است. در بسیاری از موارد، مقامات دولتی، نمایندگان مجلس و نهادهای امنیتی سعی دارند در روند دادرسی ها تأثیر بگذارند و این امر می تواند به طور جدی بی طرفی و استقلال قضات را تحت تأثیر قرار دهد. دخالت های سیاسی در امور قضایی، علاوه بر ایجاد فساد و بی اعتمادی در میان مردم، می تواند موجب تضییع حقوق افراد و کاهش کیفیت تصمیمات قضائی شود. از این رو، نیاز است که قوانین و مقررات خاصی برای جلوگیری از این نوع دخالت ها تدوین و به صورت جدی اجرایی شوند.

چالش دیگری که در مسیر استقلال قضایی وجود دارد، فساد در دستگاه قضایی است. فساد در بین قضات و کارکنان قضائی نه تنها موجب کاهش اعتماد عمومی به دستگاه قضائی می شود، بلکه می تواند باعث زیر پا گذاشتن عدالت و نهادینه شدن تبعیض شود. مبارزه با فساد در دستگاه قضائی یکی از مهم ترین وظایف نهادهای قضائی است. تقویت شفافیت در روند دادرسی ها، نظارت های دقیق و اعمال مجازات های سخت برای قضات فاسد از جمله راهکارهای مقابله با فساد در این دستگاه است.

فشارهای اقتصادی نیز یکی دیگر از چالش های عمده استقلال قضایی به شمار می رود. قضات باید از لحاظ مالی تأمین باشند تا بتوانند بدون نگرانی از فشارهای اقتصادی به انجام وظایف خود بپردازند. اگر قضات تحت فشارهای اقتصادی قرار گیرند، احتمال دارد که استقلال آن ها تحت تأثیر قرار گیرد و تصمیمات قضائی به نفع افراد خاص یا

گروه‌های دارای قدرت تغییر یابد. برای رفع این مشکل، باید منابع مالی مناسب و مداوم برای تأمین نیازهای دستگاه قضائی و قضات در نظر گرفته شود.

وابستگی مالی قوه قضائیه به قوه مجریه نیز یکی دیگر از چالش‌های استقلال قضایی است. حقوق قضات و کارکنان دستگاه قضائی به طور مستقیم از سوی قوه مجریه تأمین می‌شود و این وابستگی مالی می‌تواند موجب محدود شدن استقلال این قوه گردد. در چنین شرایطی، قوه قضائیه ممکن است نتواند به طور مستقل و بدون هیچ گونه فشار از نهادهای دیگر به انجام وظایف خود بپردازد. برای حل این مسئله، لازم است که استقلال مالی قوه قضائیه تقویت شود و منابع مالی آن از سایر نهادها جدا گردد.

برای تقویت استقلال قضایی و مقابله با این چالش‌ها، می‌توان چندین راهکار موثر را در نظر گرفت. یکی از این راهکارها تدوین و اجرای قوانین مؤثر است. تدوین قوانینی که به طور شفاف از استقلال قضات حمایت کند و تضمین‌کننده بی‌طرفی آن‌ها در برخورد با پرونده‌ها باشد، می‌تواند از بروز دخالت‌های سیاسی جلوگیری کند. همچنین، قوانین باید به گونه‌ای باشد که حمایت‌های قانونی لازم از قضات و کارکنان دستگاه قضائی در برابر فشارهای خارجی فراهم آید.

راهکار دیگر، آموزش و توانمندسازی قضات است. برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات و کارکنان دستگاه قضائی به منظور آشنایی با اصول استقلال قضایی و حفظ آن، به آن‌ها کمک می‌کند تا بهتر بتوانند در برابر فشارهای خارجی و فساد مقاومت کنند. علاوه بر این، تربیت قضات متخصص و کارآزموده که قادر به انجام وظایف خود به نحو احسن باشند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

تقویت نظارت و بازرسی نیز یکی از راهکارهای مؤثر برای تقویت استقلال قضایی است. ایجاد نهادهای نظارتی مستقل که بتوانند عملکرد قضات و کارکنان دستگاه قضائی را ارزیابی کرده و از بروز فساد و تخلفات جلوگیری کنند، یکی از راه‌های مقابله با چالش‌های موجود است. همچنین، بازرسی‌های منظم و دوره‌ای از دستگاه قضائی می‌تواند کمک کند تا نقاط ضعف شناسایی شده و برای بهبود عملکرد دستگاه قضائی تدابیر لازم اتخاذ گردد.

در نهایت، حمایت مالی و اقتصادی از قوه قضائیه و قضات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تأمین منابع مالی مناسب و مستقل برای دستگاه قضائی و قضات می‌تواند آن‌ها را از فشارهای اقتصادی رها کرده و استقلالشان را تضمین کند. همچنین، ایجاد صندوق‌های حمایتی برای تأمین نیازهای مالی قضات در مواقع ضروری می‌تواند کمک‌کننده باشد.

در مجموع، برای تقویت استقلال قضائی و مواجهه با چالش‌های موجود، نیاز به اقداماتی جامع و هماهنگ در سطح قوانین، آموزش، نظارت، و حمایت‌های مالی است تا قوه قضائیه بتواند به وظایف خود به نحو احسن و بدون هیچ‌گونه مداخله یا فشار خارجی عمل کند.

نتیجه‌گیری

استقلال قضایی به عنوان یکی از اصول اساسی نظام‌های حقوقی، نقش مهمی در تحقق عدالت و حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و مبارزه با فساد دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آیین دادرسی کیفری به طور صریح بر ضرورت حفظ استقلال قضایی تأکید دارند. مبانی فقهی نیز از قرآن، سنت، عقل و اجماع بر لزوم قضاوت عادلانه و مستقل تأکید دارند. علی‌رغم این تأکيدات، چالش‌های متعددی همچون مداخلات سیاسی، فشارهای اقتصادی و فساد در دستگاه قضایی، این اصل را تهدید می‌کنند. برای تحقق کامل استقلال قضایی، باید راه‌حل‌های مناسبی ارائه شود تا این اصل به طور کامل محقق شود و نظام قضایی بتواند به درستی وظایف خود را انجام دهد. حال برای تحقق این اصل، باید تلاش‌های مستمری در جهت تقویت نظام قضایی و مقابله با چالش‌های موجود صورت گیرد. تدوین و اجرای قوانین مؤثر، آموزش و توانمندسازی قضات، تقویت نظارت و بازرسی، مبارزه با فساد، حمایت مالی و اقتصادی و تقویت فرهنگ عمومی از جمله راهکارهای مهم برای تقویت استقلال قضایی است. با اجرای این راهکارها، می‌توان به تحقق عدالت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی امیدوار بود.

منابع

- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ کرامت، قاسم؛ شهبازی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۹). استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی. پژوهش‌های حقوق تطبیقی.
- نوبهار، رحیم؛ قاسمی، مجتبی؛ صفاری، فاطمه. (۱۴۰۳). چالش‌های تخصیص بهینه منابع مالی به قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران. نشریه حقوقی دادگستری، دوره ۸۸، شماره ۱۲۷.
- قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۹). سند تحول قضایی. تهران: مرکز پژوهش‌های قوه قضائیه.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۸). فقه و حقوق قضایی در اسلام. تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲). حقوق قضایی و استقلال قاضی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ویکی فقه. (بی‌تا). مداخل استقلال قضایی.

Shetreet, Shimon & Deschênes, Jules. (1985). *Judicial Independence: The Contemporary Debate*. Dordrecht: Martinus Nijhoff Publishers .

Russell, Peter H. (2001). *Judicial Independence in the Age of Democracy: Critical Perspectives from Around the World*. University of Virginia Press .

Bingham, Tom. (2010). *The Rule of Law*. London: Penguin Books .

United Nations. (1948). *Universal Declaration of Human Rights*. Article 10 .

United Nations. (1966). *International Covenant on Civil and Political Rights*. Article 14 .

International Commission of Jurists. (2007). *International Principles on the Independence and Accountability of Judges, Lawyers and Prosecutors*. Geneva .

American Bar Association. (2011). *Judicial Independence: A Cornerstone of Democracy*. ABA Publications .

European Commission for Democracy through Law (Venice Commission). (2010). *Report on the Independence of the Judicial System*. Council of Europe.

References

Habeebzadeh, Mohammad-Jafar; Keramat, Qasem; Shahbazi-Nia, Morteza. (2009). *Judicial Independence in the Legal System of Iran with a Comparative Study*. *Comparative Legal Studies Journal*.

Nobehar, Rahim; Ghasemi, Mojtaba; Safari, Fatemeh. (2024). *Challenges of Optimal Allocation of Financial Resources to the Judiciary in the Islamic Republic of Iran*. *Judiciary Legal Journal* , Vol. 88, Issue 127.

Judiciary of the Islamic Republic of Iran .(2020) *Judicial Transformation Document* .Tehran: Research Center of the Judiciary.

Amid Zanjani, Abbas Ali .(1999) *Jurisprudence and Judicial Law in Islam* .Tehran: University of Tehran.

Katouzian, Nasser .(2003) *Judicial Law and the Independence of Judges* .Tehran: Shirkat Sahami Ente-shar.

Wiki Fiqh. (No date) *Judicial Independence Entry*.

Shetreet, Shimon & Deschênes, Jules .(1985) *Judicial Independence: The Contemporary Debate* . Dordrecht: Martinus Nijhoff Publishers.

Russell, Peter H .(2001) *Judicial Independence in the Age of Democracy: Critical Perspectives from Around the World* .University of Virginia Press.

Bingham, Tom .(2010) *The Rule of Law* .London: Penguin Books.

United Nations .(1948) *Universal Declaration of Human Rights* .Article 10.

United Nations .(1966) .*International Covenant on Civil and Political Rights* .Article 14.

International Commission of Jurists .(2007) .*International Principles on the Independence and Accountability of Judges, Lawyers and Prosecutors* .Geneva.

American Bar Association .(2011) .*Judicial Independence: A Cornerstone of Democracy* .ABA Publications.

European Commission for Democracy through Law (Venice Commission) .(2010) .*Report on the Independence of the Judicial System* .Council of Europe.

